

عوامل مؤثر در شکل‌گیری سیاست‌ها و تحولات جمعیتی در دوره رضا شاه
طی سالهای (۱۳۲۰-۱۳۰۴)

دکتر الهام ملک‌زاده^۱

دکتر زهرا علیزاده بیرجندی^۲

چکیده

عوامل متعددی نظام‌های حکومتی را با مسائل جمعیتی پیوند داده و آنها را به اتخاذ سیاست‌های جمعیتی وادار می‌سازد. از گذشته‌های دور و در ادوار مختلف تاریخ ایران، دولت‌ها بر اساس الزامات ویژه به خصوص به منظور سامان‌دهی امور مالیاتی، نظامی و اعمال سیاست‌های کنترلی با مسائل جمعیتی پیوند داشته‌اند. دولت‌های ایرانی در گذار از دوران سنتی به مدرن، پیوندهای بیشتر و نزدیک‌تری با مسائل جمعیتی برقرار کرده‌اند. در این مقاله تلاش شده است با استعانت از داده‌های تاریخی و با رویکرد روش مطالعات توصیفی - تحلیلی تاریخی، عوامل مؤثر در تحولات جمعیتی دوران رضاشاه پهلوی، و نقش و جایگاه دولت در این امور مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی:

- جمعیت‌شناسی، تحولات جمعیتی، مدرن‌سازی، هامار، شامار

۱- عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه بیرجند

مقدمه

امروز مطالعات جمعیتی به لحاظ ابعاد گسترده پیوند تنگاتنگ آن با سایر علوم به یک موضوع میان رشته‌ای مبدل شده است. چنان که از پیوند مباحث جمعیتی و تاریخی گرایشی به نام جمعیت‌شناسی تاریخی پدید آمده است. جمعیت‌شناسی تاریخی شاخه‌ای از علم جمعیت تعریف شده که هدف آن شناخت پدیده‌های جمعیتی و ویژگی و تحولات آن پدیده‌ها در ادوار گذشته می‌باشد. یکی از موضوعات قابل بررسی در جمعیت‌شناسی تاریخی، رابطه حکومت‌ها و مباحث جمعیت‌شناختی است. بر اساس شواهد تاریخی حکومت‌ها از گذشته‌های دور تا کنون نسبت به مسائل جمعیتی توجه ویژه مبذول داشته، و سیاست‌های خاصی را در این دوره اتخاذ کرده‌اند. سرشماری و احصای نفوس یکی از نیازها و الزامات حکومت‌ها بوده و بر اساس آمارهای به دست آمده از سرشماری‌ها، امور حکومتی از جمله سیاست‌های نظامی، مالیاتی و اقتصادی ساماندهی شده است. در واقع تحولات جمعیتی با سیاست‌گذاری‌های مستقیم دولت‌ها در امور جمعیتی پیوند داشته است. اما همواره این گونه نبوده است؛ بلکه دولت‌ها افزون بر اتخاذ سیاست‌های خاص جمعیتی، به شیوه‌های دیگر نیز بر امور جمعیتی، تأثیر گذارده‌اند. در مقاله حاضر عوامل مؤثر بر تحولات جمعیتی ایران در دوره سلطنت رضا شاه مورد بررسی قرار گرفته است. در این بررسی، نقش عناصر و ارکان ایدئولوژیک حکومت رضا شاه به عنوان مفروض اصلی مطرح شده است.

پیشینه سرشماری و احصای نفوس در ایران

قبل از پرداختن به سیاست‌گذاری جمعیتی این عصر، نگاهی گذرا به رابطه دولت‌های ایرانی با مسائل جمعیتی ضروری می‌نماید. علم آمار و کاربرد آن توسط ایرانی‌ها، خدمت و پیشینه‌ای دراز دامنه دارد. آمار در ایران از زمان هخامنشی شروع، و از آن پس واژه «هامار»^۱ به معنای آمار و «شامار» به مفهوم سرشماری سلطانی از نوشته‌های رسمی دیده شده است. در عصر داریوش، احصایه از تشکیلات منظمی برخوردار شد. برخی از محققان پیشینه کاربرد آمار به ویژه در امور حکومتی ایران را پیش‌تر از عصر هخامنشی دانسته و اظهار داشته‌اند که این امر متعلق به زمان استقرار مهاجران

۱- واژه آمار از زبان پهلوی گرفته شده و واژه‌های همار، شمار، شماره، از مصدر اوستایی «آمار» به معنای حساب با پسوند «گر» آمارگر، گاه آمارگیر، آمارگیره و آمارکار، به معنای محاسبه به کار رفته است (تکمیل همایون، ۱۳۷۳: ۲۳).

آریایی در فلات ایران است. این نظریه به علت فقدان مدارک برحدس و گمان مبتنی است. به تدریج، پس از فراهم شدن زمینه‌های وحدت فرهنگی (دینی) و سیاسی در ایران، آگاهی دقیق از شهرها و روستاها، جمعیت کل کشور و ایالات گوناگون آن، عدد قشون، زمین‌ها، چگونگی محصولات کشاورزی، رقم احشام، همچنین دارایی افراد و خانوارها برای گرفتن مالیات‌های مختلف، وضع خزاین دولتی و اموری از این دست به عنوان یک ضرورت برای حکومت‌ها مطرح شد.

کاربرد شمارش در امور حکومتی، یکی از دلایل پیشرفت علم آمار و ریاضیات در نزد ایرانیان شد. چنان که پس از اعتبار یافتن علوم ریاضی در غرب و سیطره روش‌های کمی، ایرانیان نیز در مسیر اجتماعی و بهره‌برداری قرار گرفته و افزون بر تحلیل‌ها و تخمین‌های سنتی خود، با دانش‌های جدید اروپایی آشنایی حاصل کردند.

زمینه آشنایی ایرانیان با ریاضیات اروپایی به روزگار صفویه باز می‌گردد. اما این آشنایی در دوره قاجار به دنبال اعزام محصل، ورود کارشناسان و مهندسان اروپایی به ایران و تأسیس دارالفنون گسترش پیدا می‌کند.

از میان دانشمندان عصر قاجار، میرزا عبدالغفار نجم الدوله، بنیانگذاران علم آمار و پیشگام در جمعیت‌شناسی به شمار می‌آید. در سال ۱۲۸۴ ه. ق ناصرالدین شاه نجم الدوله را مجری اولین سرشماری نفوس تهران قرار داد. وی این کار عظیم را به رغم فقدان امکانات با دقتی هر چه تمام‌تر و طی مدتی کمتر از دو ماه به انجام رساند. در انجام این طرح گسترده فقط هشت نفر از شاگردان نخبه او در دارالفنون با وی همکاری کردند. عبدالغفارخان نتایج این آمارگیری را به صورت رساله‌ای با عنوان «تشخیص نفوس دارالخلافه» به اعتضاد السلطنه تقدیم کرد. در واقع این رساله شرح نخستین تجربه جدی در زمینه آمارگیری به شیوه علمی در ایران است.

در نخستین سرشماری تهران، آمارهای مفصلی در زمینه‌های مختلف گردآوری شد. گستره اطلاعات موجود در این سرشماری که در بردارنده‌ی رقم کل نفوس، وضع مسکن و نحوه‌ی مالکیت آن، توزیع مکانی جمعیت (بین محله‌ها)، توزیع سنی و جنسی، مهاجرت، موقعیت شغلی و اجتماعی سکنه، تعداد پیروان ادیان مختلف، تأسیسات شهری، واحدهای صنفی و اماکن عمومی و غیره بود، عظمت کار عبدالغفارخان را نشان می‌دهد.

عصر سپهسالار نیز از نظر احصای نفوس دوران مهمی محسوب می‌گردد. قسمت اعظم سرشماری‌های بازمانده از دوره قاجار، به دوران ده ساله وزارت و صدارت میرزا حسین خان سپهسالار تعلق دارد. شکل‌گیری قانون و مجلس تنظیمات که یکی از صلاحیت‌های آن سرشماری جمعیت بود، از دستاوردهای عصر سپهسالار است

دیگر از فعالیت‌های انجام شده در امر احصاء، که نشانگر تمایل دولت قاجار به ثبت و مهر دولتی^۱ و نگارش کتابچه‌ای به نام «کاداستره» است.^۲ کاداستره مفصل‌ترین رساله‌ای است که در زمینه ممیزی ثبت املاک، ثبت احوال و احصای نفوس توسط محمد حسن خان اعتماد السلطنه به رشته تحریر درآمده است. اعتمادالسلطنه در روزنامه خاطرات خود به این کتابچه و قرائت آن در مجلس شورا اشاره دارد. آخرین اثر مربوط به سرشماری نفوس و بیوتات در پیش از مشروطه، احصایه اخضرعلی شاه است.

نکته درخور توجه در سیاست‌گذاری‌های جمعیتی دوره قاجار تأثیر اصلاحات نوگرایانه در اقبال دولت به امر سرشماری و احصای نفوس است. در این زمینه اقتباساتی هم از غرب صورت پذیرفت. چنان که در زمینه ممیزی ثبت املاک و ثبت احوال، آثار فرانسوی مورد استفاده قرار گرفت. این امر یعنی پیوند تجدد و توجه به سرشماری، در دوره رضاشاه (پهلوی اول)، نیز قابل پی‌گیری است.

سیاست‌گذاری‌های جمعیتی دولت‌های پس از مشروطه:

پس از وقوع انقلاب مشروطه، مصوباتی در مورد آمارگیری نفوس از مجلس گذشت. تا اینکه در سال ۱۳۰۳ شمسی، موجودیت اداره احصایه کل مملکتی، طی تصویب نامه هیأت وزیران اعلام شد. وظیفه این اداره تعیین تعداد نفوس، تهیه آمارهای اجتماعی، مالی، بهداشتی، دامداری، صید و شکار، صادرات، واردات، نرخ مسکوکات، مبادلات تجاری، جرائم محکومان و حوادث و اتفاقات بود. بر اساس اسناد تاریخی، تأسیس ثبت احوال در ۳۰ آذر ۱۲۹۷ شمسی، به تصویب هیأت وزیران رسید و با صدور اولین شناسنامه برای دختری به نام فاطمه ایرانی در ۳ دی ماه ۱۲۹۷ شمسی، در تهران فعالیت

۱- این قانون که امین الدوله مأمور اجرای آن شد، در رمضان ۱۳۰۳ هـ. ق به توشیح ناصرالدین شاه رسید (سعدوندیان، ۱۳۷۹: ۱۱۰).

۲- کاداستره واژه‌های فرانسوی معنای ممیزی املاک و اراضی و تخمین تعداد

خود را آغاز کرد. اولین قانون ثبت احوال نیز مشتمل بر شانزده ماده تصویب شد. براساس این قانون، وظیفه جمع‌آوری آمارهای مختلف به اداره سجل احوال محول گردید. به همین دلیل نام این اداره نیز، به اداره «احصایه و سجل احوال» تغییر یافت. از آن تاریخ به بعد، به تناسب شرایط زمانی، تغییر و تحولاتی در قوانین به وجود آمد که در اردیبهشت ۱۳۱۹ شمسی، قانون نسبتاً جامع و کاملی مشتمل بر پنجاه و پنج ماده تصویب گردید. در همان سال نیز آیین‌نامه مربوط به این قانون در یک صد و سی و یک ماده تصویب شد.

این قانون به دلیل جامعیت نسبی نزدیک ۳۶ سال پایدار ماند تا در ۱۳۵۵ شمسی، که قانون جدید ثبت احوال تنظیم گردید.

بدین ترتیب، با تأسیس اداره کل ثبت احوال کشور و تدوین قوانین مربوط به آن، عوامل مؤثر بر کمیت‌های اجتماعی و قومی کشور (تولد، مرگ، ازدواج، طلاق و مهاجرت) مورد توجه قرار گرفت. در مفاد قانون ثبت احوال علاوه بر کمیت‌های مذکور، مقرراتی در باب اتباع ایرانی مقیم خارج و اتباع خارجی مقیم ایران، صدور شناسنامه و انتخاب نام خانوادگی برای اتباع ایران وجود داشت.

علاوه بر تأسیس اداره ثبت احوال، تصویب قوانین و انجام سرشماری در شهرهای مختلف ایران، در دوره رضاشاه، اقدامات دیگری نیز در ارتباط با مسائل جمعیتی رخ نمود که از آن جمله می‌توان به ثبت اسناد و املاک اشاره کرد. اگر چه پیشینه تدوین قوانین ثبت اسناد و املاک به پیش از دوران پهلوی باز می‌گردد، اما در این دوره بارها قوانین مذکور مورد بررسی و اصلاح قرار گرفت، که به اختصار به رئوس قوانین اصلاحی و تغییرات اعمال شده در ذیل اشاره می‌شود:

- تصویب قانون ثبت عمومی املاک: ۲۱ بهمن ۱۳۰۶؛
- الغای ماده‌ی اول قانون قبلی و اجباری شدن ثبت املاک: ۱۰ مرداد ۱۳۰۷؛
- تصویب متمم قانون ثبت املاک: ۶ دی ۱۳۰۷؛
- تصویب قانون اصلاح قانون ثبت عمومی املاک و مرور زمان: ۲ خرداد ۱۳۰۸؛
- تصویب قانون ثبت اسناد و املاک در ۲۷ ماده: ۱۱ مهر ۱۳۰۸؛
- تصویب قانون تشکیل دفاتر اسناد در اداره‌های ثبت یا دفاتر اسناد رسمی: ۱۳ بهمن ۱۳۰۷؛
- تصویب قانون ثبت اسناد و املاک در ۲۵۶ ماده: ۲۱ بهمن ۱۳۰۸؛

- تصویب قانون ثبت اسناد و املاک در ۱۴۲ ماده: ۲۶ اسفند ۱۳۱۰؛

در طی سال های ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴ و ۱۳۲۰ نیز اصلاحاتی در قانون ثبت اسناد و املاک به وقوع پیوست. در سال های مذکور دولت وقت ایران، به منظور ایجاد یک نظام حکومتی متمرکز و مقتدر در کنار کسب آگاهی از تولد، مرگ و سایر اطلاعات مربوط به احوال آحاد ایران، نیازمند اطلاع از وضعیت املاک کشور نیز بود. اهمیت این اطلاعات هنگامی مشخص می گردد که بدانیم مالیات اراضی یکی از منابع اصلی و مهم دولت به شمار می آمد. علاوه بر این، علاقه شخصی رضاشاه به زمین های کشاورزی و تصاحب آنها نیز در توجه به سرشماری و ثبت آنها تأثیر داشته است. از تحولات کلیدی این دوره، رشد بزرگ مالکان و پیدایش املاک پهناور با مالک غایب بود، و رضاشاه خود با خرید و مصادره املاک وسیع در این زمینه پیشقدم شد. درحالی که بر اساس قانون جدید ثبت املاک، زمین به ثبت می رسید؛ هم شاه و هم ارتش قادر بودند زمین های کشاورزی و سایر املاک را مصادره کنند، و یا به اجبار به بهای ناچیز بخرند. گاهی این مصادره و فروش اجباری به جابجایی جمعیت روستایی و مهاجرت آنها به نقاط دیگر منجر و بازتاب آن در مسائل جمعیتی مشخص می گردید.

از این مطالب می توان دریافت که دولت پهلوی به شیوه های مختلف، گاه سیاست گذاری های مستقیم جمعیتی؛ و گاه به شیوه ای غیرمستقیم، بر مسائل جمعیتی تأثیر گذارده است. عوامل متعددی نظام های حکومتی را با مسائل جمعیتی پیوند داده و آنها را به اتخاذ سیاست های جمعیتی وادار می سازد. سیاست جمعیتی مجموعه اصول و تدابیری است که چگونگی و حدود فعالیت دولت را در امور جمعیتی و یا اموری که نتایج جمعیتی دارند، تعیین می کند. سیاست های جمعیتی صرفاً در جهت کنترل آهنگ رشد جمعیت اتخاذ نمی شوند، بلکه دایره وسیع تری از مسائل و مشکلات جمعیتی را در بر می گیرد. تأثیر گذاری دولت ها بر تحولات جمعیتی به شیوه های گوناگون رخ می نماید. بررسی تاریخچه سیاست های جمعیتی نشانگر تنوع و فراز و نشیب های آن در ادوار تاریخی می باشد. این سیاست ها در دولت های سنتی و مدرن، پیشرفته و در حال توسعه متفاوت است. در واقع دولت ها بر اساس اهداف متنوع خود و در چارچوب ساختار اقتصادی- اجتماعی کشورشان تدابیر خاصی را برای کنترل و متعادل ساختن حرکات جمعیتی به کار می برند.

در دوره رضاشاه، سیاست‌گذاری‌های جمعیتی، گاه بر اساس اهداف کمی پی‌ریزی و اجرا شده که در این زمینه می‌توان به کنترل و هدایت مهاجرت‌های داخلی و خارجی اشاره کرد. [سند]

اما برخی از سیاست‌های جمعیتی در این دوره نشانگر توجه دولت به جنبه‌های کیفی جمعیت است. به عنوان نمونه سیاست‌هایی که در زمینه بهداشت جمعیت اتخاذ شد، از ویژگی‌های کیفی برخوردارند. همچون تلاش‌هایی که در جهت آموزش‌های قابل‌ه‌ای ماهر و تأسیس مدارس قابلیت‌های صورت‌پذیرفته است، که در زمره اهداف کیفی سیاست‌های جمعیتی به شمار می‌آیند (سند شماره ۴- ۱۵۰۲۰- ۲۹۷۰، آرشیوسازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران).

بررسی نظامنامه‌های دبستان‌ها در امور بهداشتی نیز شاهدهی مناسب برای این اهداف کیفی‌اند. برای مثال در نظامنامه دبستان مصوب ۸ آبان ۱۳۱۳ شمسی، بر رعایت نظافت و بهداشت توسط دانش‌آموزان، کوتاه کردن مو و معالجه دانش‌آموزان بیمار تأکید شده بود.

سیاست تمرکزگرایی دوره رضاشاه و تأثیر آن بر مسائل جمعیتی

رضاشاه به منظور تحقق ایده استقرار حکومت مرکزی مقتدر، اولویت خویش را سرکوب‌های عشایر قرار داد. اسکان اجباری عشایر، انقیاد رهبران سیاسی ایلات - چه با عملیات نظامی، چه مسالمت‌آمیز - و سرکوبی شورش‌های عشایری، اکثر عشایر را زیر سلطه مستقیم نظامی حکومت مرکزی قرار داد، و ساختار سیاسی - اجتماعی حیات ایلات را درهم ریخت. دولت برای دگرگون ساختن شیوه‌های زندگی عشایر، اقدامات مختلفی انجام داد که از آن میان می‌توان به مالیات‌گیری مستقیم، قانون خدمت نظام وظیفه اجباری، قانون لباس متحدالشکل، تخته‌قاپو کردن اجباری و جا به جایی برخی عشایر اشاره کرد. از آن جایی که عشایر در آغاز قرن بیستم حدود یک سوم تا یک چهارم جمعیت کشور را تشکیل می‌دادند، سیاست‌های رضا شاه در مورد ایلات تأثیرات بسیاری بر مسائل جمعیتی به جای گذارد.

در تحقق سیاست تمرکزگرایی، دولت به ایجاد نهادهای جدید و بهبود و توسعه نهادهای سنتی پرداخت. در دوران سنتی، پادشاهان امکانات چندانی برای حضور فراگیر و پیوسته در سراسر ممالک محروسه را نداشتند. نمایش هیبت و سیاست پادشاهان اغلب نامنظم و ناگهانی رخ می‌نمود. تحول نقش و جایگاه شاه از شبان به «پدر تاجدار» (که با اتکاء به سیاست‌های ناسیونالیستی حکومتی -

سلطنتی شکل می گرفت)، رابطه جدیدی را پی ریزی کرد که زمینه ساز دانش و کنش متجددانه سیاست و حاکمیت بود.

نهادهای جدیدی چون ثبت احوال، املاک، اداره آمار، زمینه ی حضور فراگیر و مداوم حاکمیت را در سراسر کشور و حتی عرصه های خصوصی زندگی مردم باز کرد.

سیاست های صنعتی رضاشاه و تأثیر آن در مسائل جمعیتی

زمینه دیگری از تغییرات ساختاری که بر مسائل جمعیتی و مهاجرت، که از عناصر اصلی بررسی های جمعیت شناختی محسوب می گردد، تأثیر گذارد، صنعتی شدن کشور در این دوره است. در روند صنعتی شدن، این امر از درون تمایلات تجددگرایانه و پروژه نوسازی کشورناشی می شد که تنها روش تولید تغییر نمی کند. بلکه بسیاری از شئون اجتماعی و شرایط حیات جامعه، همچنین نحوه اشتغال مردم نیز دچار تغییر می گردد. برخی از این تغییرات عبارتند از: بهبود سریع کیفیت و کمیّت امکانات حمل و نقل، توسعه وسایل ارتباطی، گسترش رسانه های گروهی، افزایش امکانات شغلی، ارتقای سطح دستمزدها، گسترش بهداشت و درمان، توسعه آموزش و پرورش، ارائه تسهیلاتی چون آب و برق و تلفن و خدمات زیر بنایی دیگر.

روند صنعتی شدن به هر شکلی که باشد، تغییر مکان اشتغال و فعالیت تخصصی از مناطق روستائی به نقاط شهری و از مناطق کم توسعه به نقاط توسعه یافته را باعث می شود. اما در توسعه با الگوی سرمایه داری به ویژه سرمایه داری وابسته، این تغییر مکان، اولاً به مناطق خاصی از کشور منحصر است و در نتیجه مناطقی از کشور به نفع منطقه ای خاص تخلیه می شوند. صنعتی شدن در کشورهای جهان سوم به دلیل توسعه غیر مستقل، چهره و خصلت دیگری دارد. در این کشورها اولاً مهاجرت های روستائی در ابعاد وسیع تری صورت می گیرند. ثانیاً به دلیل اینکه صنایع جدید به کارگر ماهر نیازمند است و مهاجران روستائی نمی توانند در این بخش از فعالیت کار پیدا کنند، اکثریت آنان ناچار می شوند به کارهای دون پایه شهری از قبیل کارهای ساده در مشاغل خدماتی و ساختمانی مشغول گردند.

با توجه به این مقدمات می توان تأثیر برنامه صنعتی کردن کشور در دوره رضاشاه را بر تحولات جمعیتی دریافت. در دوران رضاشاه، تعداد کارخانه های صنعتی، بدون احتساب تأسیسات صنعت

نفت، هفده برابر افزایش پیدا کرد. در سال ۱۳۰۴ شمسی، کمتر از بیست کارخانه صنعتی جدید در کشور وجود داشت. اما در سال ۱۳۲۰ شمسی، شمار کارخانه‌های مدرن به ۳۴۶ رسیده بود. به دنبال افزایش تعداد کارخانه‌ها، شمار کارگران غیر سنتی نیز فزونی یافت. تعداد کارگران صنعت نفت و کارخانه‌های بزرگ و کوچک مدرن، شیلات خزر، راه آهن، معادن ذغال سنگ، کارگران فصلی بخش ساختمان سازی در مجموع به بیش از ۱۷۰ / ۰۰۰ نفر رسید. این رقم به معنای پیدایش یک طبقه کارگر جدید بود. نخستین نسل کارگران صنعتی از مناطق روستائی آمده بودند. مطابق نخستین سرشماری کلی در سال ۱۳۳۵ شمسی، ۱۴ درصد مهاجران ساکن تهران از روستاهای اطراف، ۱۰ درصد از کرمانشاه، ۱۹ درصد از اصفهان، ۶ درصد از خراسان، ۴ درصد از خوزستان و ۲ درصد از فارس بودند. در سایر مراکز صنعتی کشور از قبیل مازندران نیز، نظیر این گونه مهاجرت‌ها به چشم می‌خورد (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۱۸۳).

با توجه به این آمار، بخشی از جا به جایی‌های جمعیتی در این دوره، از برنامه صنعتی کردن ناشی شده است. این تحولات افزون بر مسائل جمعیتی، سایر مسائل سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را تحت تأثیر قرار داد. چنان که در حرکت‌های اعتراضی جنبش‌های این روزگار، کارگران نقش فعالی ایفا نمودند. در خلال سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ شمسی، ساختار اجتماعی ایران تغییر چشم‌گیری پیدا کرد. مشاغل جدید و مهاجرت کارگران به محل‌های تازه، الگوهای زندگی سنتی را دگرگون ساخت.

نتیجه:

در مجموع می‌توان دریافت مسائل جمعیتی دوره رضاشاه، تحت تأثیر عناصر مقوم و شالوده‌های ایدئولوژیک دولت رضاشاه تحولات عمده‌ای پیدا کرد. این عناصر عبارتند از: مدرن‌سازی، تمرکز گرائی، سکولارسازی، نظامی‌گری و ناسیونالیسم سلطنتی. ضمن این که باید از مصوبات قانونی و تکوین نهادهای جمعیتی که با اتکاء به عناصر فوق‌رخ نمود، به عنوان وجه عمده تمایز سیاست‌گذاری‌های جمعیتی دوره رضاشاه یاد کرد.

منابع

- آبراهامیان، یرواند، (۱۳۷۷)، ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی ایران معاصر. ترجمه احمد گل محمدی. محمد ابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی.
- آدمیت، فریدون. (۱۳۸۵). اندیشه ترقی و حکومت قانون (عصر سپهسالار). تهران: خوارزمی.
- اتحادیه، منصوره. (۱۳۷۷). اینجا طهران است: مجموعه مقالاتی درباره تهران ۱۲۶۹-۱۳۴۴ هـ ق. تهران: نشر تاریخ ایران.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن. (۱۳۸۵). روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه. مقدمه و فهرس ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- امانی، مهدی. (۱۳۵۵). استقرار هویت، رشد و سیاست جمعیتی ایران در دوران شاهنشاهی پهلوی. تهران: انتشارات مرکز تحقیقات.
- بیات، کاوه. (۱۳۸۳). «رضاشاه و عشایر». استفانی کرونین: شکل گیری ایران نوین: دولت و جامعه در دوران رضاشاه». ترجمه مرتضی ثاقب فر. تهران: جامی.
- تکمیل همایون، ناصر. (۱۳۷۶). «آغاز آشنائی ایرانیان با علم آمار جدید». فصلنامه جمعیت. ش ۱۹ و ۲۰. تابستان: ۵۷-۷۵.
- تقوی، نعمت الله. (۱۳۷۱). «سیاست های مهاجرتی (نقش دولت در مهاجرت های روستا- شهری)». در: مجموع مقالات سمینار جمعیت و توسعه. ج ۳. تهران: سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی و اجتماعی و انتشارات.
- تمنا، سعید. (۱۳۸۰). مبانی جمعیت شناسی. تهران: دانشگاه پیام نور.
- توکلی طرقي، محمد. (۱۳۸۱). تجدد بومی و بازاندیشی تاریخ: مجموعه مقالات. تهران: نشر تاریخ ایران.
- جوان، جعفر. (۱۳۸۰). جغرافیای جمعیت ایران. مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- روستائی، محسن. (۱۳۸۲). تاریخ طب و طبابت در ایران (از عهد قاجار تا پایان دوره رضاشاه، به روایت اسناد. ج ۱. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران
- سعدوندیان، سیروس. (۱۳۷۹). درآمدی بر جمعیت شناسی تاریخی ایران در دوره قاجار. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- سند شماره ۴- ۲۹۷۰۱۵۰۲۰، آرشیوسازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران
- شهری، جعفر. (۱۳۸۸). حقوق ثبت اسناد و املاک. تهران: جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبائی
- فوران، جان. (۱۳۷۷). مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۸۷۹ شمسی تا انقلاب. ترجمه «احمد تدین». تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- نجم الدوله، عبدالغفار. (۱۳۸۴). سه اثر از نجم الدوله: «رساله تطبیقه، رساله تشخیص نفوس دارالخلافة، سفرنامه حج». تنظیم و تحشیه: احمد کتابی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- همایون کاتوزیان، محمدعلی. (۱۳۸۵). «جامعه و دولت در دوره رضاشاه». در: تورج اتابکی. تجدد آمرانه: جامعه و دولت در عصر رضاشاه. ترجمه: مهدی حقیقت خواه. تهران: ققنوس.